



بازشناسی تحلیلی حس تعلق به مکان در دانشکده های معماری شاخص ایران در دوره معاصر

مهسا آجیلی^۱، محمدعلی کاظم زاده رائف^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان، ایران، اهواز

۲- عضو هیئت علمی گروه آموزشی مهندسی معماری مؤسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی خوزستان، ایران، اهواز

چکیده

معماری تلفیقی از علم و هنر است از این رو شیوه آموزشی خاصی را می طلبد تا بتواند دانشجویان را در مسیر صحیح هدایت کند. تردیدی وجود ندارد در آموزش معماری در دانشکده های ایران، اهداف و مراتبی که برای معماری ذکر می شود با شرایط و ویژگی های خاص خود نیازمند آموزش هستند، اما با عنایت به خصوصیات مختلفی که برای آموزش رشته های مختلف هنری، فنی، فلسفی، علوم اجتماعی و سایر رشته هایی که معماری از آنها متأثر است وجود دارد، قاعدتاً آموزش معماری ضمن آن که تلفیقی مناسب از ویژگی های آموزشی رشته های فوق راطلب می نماید، باید بتواند روشی مستقل را به گونه ای اتخاذ و انتخاب نماید که در آن نحوه و میزان تأثیر و نقش این رشته ها در شکل گیری معماری مشخص و تعریف شده باشد. به این ترتیب جنبه های مختلف عناصر دخیل در آموزش شامل استاد، منابع، دانشجو، محیط آموزشی، به نحو مؤثری در کیفیت و چگونگی آموزش معماری ایفای نقش می نمایند. روش تحقیق این پژوهش مبتنی بر مطالعات کتابخانه ای اعم از پایان نامه و مقالات و کتب مرتب بوده است. همچنین این پژوهش دارای رویکرد توصیفی است نتایج به دست آمده از این پژوهش شامل شناسایی عواملی است که باعث افزایش حس تعلق به مکان در دانشکده های معماری شاخص ایران در دوره معاصر می گردد. و هدف تحقیق: ایجاد نگاهی عمیق و موشکافانه نسبت به عوامل مربوط به حس تعلق به مکان از جنبه استاد و دانشجو برای به دست یابی به سطح ایده آل در حس تعلق به مکان برای دانشجویان و اساتید است. نگارندگان تلاش دارند تا با شناسایی عوامل تأثیر گذار در حس تعلق به مکان به راه حل های برای ایجاد راحتی دانشجو و اساتید در مکان دست پیدا کند.

واژگان کلیدی: حس تعلق به مکان، آموزش، دانشکده معماری، معماری معاصر، ایران



مقدمه

امروزه حرکت معماری حرکت جهانی و در حال پیشرفت است به همین دلیل نوآوری و به روز بودن از پیش نیازهای آموزش این رشته است. و امروزه معماری محدود به ارائه اسکیس های زیبا از تخیلات و آرمان های یک معمار نیست و آموزش معماری در فضای محدود تعیین مکان اتاقها و جانمایی فضاها در سایت پلان نمی گنجد. معماری دانش جامعه ای است که به نسبت و رابطه انسان با محیط و فضا زیست و در شهر و در گسترده وسیع سرزمین ها حساس است و سعی در تأمین پایداری فضایی دارد که انسان در آن زندگی می کند. در تاریخ ۷۰ ساله آموزش دانشگاهی رشته معماری در ایران شکل دانشگاهی آموزش به ویژه آموزش طراحی معماری همچون نظام سنتی مبتنی بر رابطه استاد و شاگردی و آموزش تعاملی بوده است با رواج انبوه سازی و پیچیده شدن شناخت متقابل طراح و کارفرما تدوین و فرآیند راهی به مثابه یک نیاز مهم و ضروری است از سوی دیگر ورود رایانه به آموزش معماری موجب تأسیس عملی رشته ها و گرایش های تخصصی میان رشته ای پیشرفته شده است. در حین حال آموختن برنامه محور و مبتنی بر درک رابطه عمیق تئوری و طراحی دانشجو را برای درک نظری و عملکرد معماری بر اساس مقتضیات زمان و مکان آماده می سازد توفیق فرآیند نهایی مستلزم کار گروهی و کارگاه های معماری است.

در خصوص آموزش های معماری، می دانیم که معماری حرفه ای جامع است. در گذشته کسی را معمار می نامیده اند که از رموز و رازسایر هنرها آگاهی داشت. پس آموزش معماری محدود نیست و وظیفه ی استاد دانشگاه آگاه ساختن دانشجو از این نیاز است و راهنمایی او به راهی که به انسانی فرزانه تبدیل شود. در این باره شیوه ی آموزش بسیار زیاد است. نه به تعداد مدرسه های معماری بلکه به تعداد استادان شیوه های متفاوت وجود دارد و این رابطه استاد شاگرد است که امر آموزش را تحقق می بخشد. پس استاد باید شیوه های پرمحتوا در پیش رو داشته باشد که مکمل آن در جامعه در اثر ساخت و ساز به دانشجو انتقال یابد. بنابراین برنامه های آموزشی، باید تنگاتنگ و مکمل برنامه های عمرانی در جامعه باشند، و هر از گاهی به نواقص خود بنگرد و در برنامه های خود بازنگری کنند. در این راستا سیستم های مختلف آموزشی در رشته معماری قابل اجرا هستند که به عنوان مثال به سیستم آتلیه تجربی، آتلیه پژوهشی و ... اشاره داشت. (وفامهر و صانیعیان، ۱۳۸۷، ۵۶۴)

اهمیت و لزوم بازشناسی و سعی در ادراک عمیق آموزش معماری شاید آنجا بیشتر جلوه می نماید. که غالباً در مقام مقایسه معماری و معماران معاصر با معماری و معماران گذشته برمی آیم. در صورتی که معمار معاصر را محصول آموزشی دانشکده های معماری امروزمین بدانیم، لزوم این بازشناسی و شاید به تبع آن بازنگری در تعیین خط مشی ها و اهداف این آموزش روشن تر می شود. رشته مهندسی معماری از رشته هایی است که اگر چه هم آموزش و هم تجلیات عینی آن در بسیاری ممالک و از جمله ایران سابقه ای کهن دارد، اما به دلایل عدیده ای، هم آموزش و هم آثار ایجاد شده معماری در نیم قرن اخیر با چالش های جدی مواجه بوده است. علل متعددی از جمله علل آگاهانه یا ناآگاهانه و مستقیم و یا غیرمستقیم بر روند تغییر عملکرد مهندسين معمار و استحاله آثار آنان از عناصر با هویت و ارزشمند و اصیل و ایرانی به سمت عناصر بی هویت و تقلیدی ایفای نقش نموده است. شاید بتوان آموزش معماری و



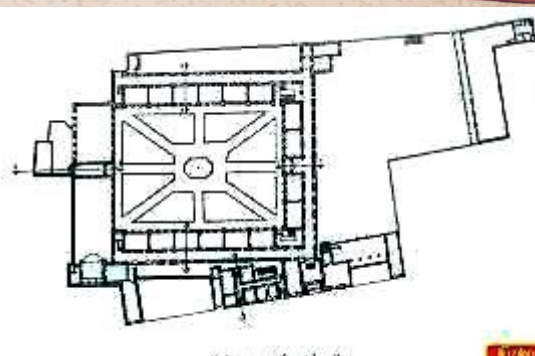
موضوعات مرتبط با آن به همراه عوامل مؤثر بر آموزش را یکی از عوامل مهم این استتاله به شمار آورد. (محمدی، ص ۲، ۱۳۹۶)

سؤال تحقیق :

در فضاهای دانشکده های معماری مطرح ایران چگونه حس تعلق به مکان برای دانشجویان و اساتید فراهم می گردید است ؟

۱. سیر و تحول دانشکده های معماری ایران در دوره معاصر

آغاز دوره معاصر ایران، آغاز تغییرات وسیع در همه زمینه ها است. در این دوره توسعه و پیشرفت مفاهیم تازه های را به خود گرفتند و دیدگاههای نوین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و شیوههای نوین زندگی عمدتاً در معماری به نمایش درآمد و معماری جدید، اندیشه های جدید را بیان داشت (مختاری، ۱۳۹۰) فکر تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۰۵ خورشیدی توسط دکتر سنک نماینده مجلس در مذاکراتی با سید محمد تدین پدیدار شد. در سال ۱۳۱۰ خورشیدی وزیر دربار وقت، عبدالحسین در فرهنگ معین واژه صنعت بدین گونه تعریف می شود: وسیله ای است که بشر بدان عقیده خود را راجع به کمال بیان می کند، کلیه تغییراتی که بشر در مواد طبیعی می دهد، تا بهتر و بیشتر از آنها استفاده کند. با توجه به فرهنگ معین و به ویژه تعریف آخر از صنعت که برگرفته از تعاریف جدید آن است. صنعت را به عنوان تغییراتی که بشر در مواد طبیعی می دهد تا آن را برای خود قابل استفاده سازد، همراه با محصول ساخته شده تعریف می کنیم و به کار می بریم. (رحیمی، ۱۳۹۳) مراحل شکل گیری و استقرار کامل اولین مرکز دانشگاهی آموزشی معماری در ایران از دارالفنون (۱۳۰۶) تا دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران (۱۳۲۸) ۲۲ سال به درازا کشید. این مرکز پس از شکل گیری در جریان معماری روز ایران نقشی پر اهمیت ایفا، (مختاری طالقانی، ۱۳۷، ۱۳۹۵) در ابتدای تاسیس رشته معماری در مدرسه دارالفنون (۱۳۰۶) نام این رشته " مهندسی و معماری " بود، اما بعدها با حضور معمارانی چون محسن فروغی و رولان دوپروول که هر دو دانش آموخته مدرسه هنرهای زیبای پاریس بودند در کنار استادانی چون دکتر بهرامی و دکتر حسن مقدم که هنر شناس بودند، وجه هنری معماری بر وجه مهندسی آنها پیش گرفت. سابقه تاسیس مدارس جدید در ایران اواخر ۱۲۵۴ تا اوایل ۱۲۵۵ هجری قمری باز میگردد. در سال ۱۲۶۶ هجری قمری - حدود ۱۳ سال پس از تاسیس نخستین مدارس به شیوه جدید - میرزا تقی خان امیر کبیر فرمان تاسیس مدرسه ای دولتی به سبک مدارس عالی اروپا به نام دارالفنون را در گوشه ای از ارگ شاهی تهران صادر نمود. (انصاری، ۱۳۹۵، ۳۷ و ۲۶) تمایل به ارجاع کار به معماران آموزش دیده ی حرفه ای که با هدایت معماران خارجی فعال در ایران فعالیت میکردند، سبب شد تا سال ۱۳۱۷ خورشیدی پیشنهاد تاسیس یک مدرسه معماری که از مدتها پیش مطرح بود به مرحله اجرا درآید. (مختاری طالقانی، ۱۳۹۵، ۱۳۵)



تصویر ۲: نمای داخلی مدرسه دالفنون

تصویر ۱: پلان مدرسه دالفنون (منبع سایت آزاد اینترنتی)

(منبع سایت آزاد اینترنتی)

ادغام رشته معماری در دانشکده هنرهای زیبا و جدا شدن آن از دانشکده فنی که به مدت هشت سال (از سال ۱۳۲۸ تا ۱۳۱۹) طول کشید، پایانی بر این جریان بود؛ گرچه در تمامی دورانی که رشته معماری در زیرزمین دانشکده فنی دانشگاه تهران استقرار داشت حضور آندره گدار، به عنوان رئیس دانشکده و محسن فروغی مانع از تسلط گرایش اولیه، که رجحان امور فنی بر دروس هنری بود، بر آموزش معماری شد. (همان، ۱۳۸ و ۱۳۷) تغییر نظام آموزش معماری با دو رویداد جدید دیگر همراه بود. رویداد نخست تاسیس دومین دانشکده معماری ایران در دانشگاه ملی (دانشگاه شهید بهشتی کنونی) در سال ۱۳۳۹ بود و رویداد دیگر تغییر تدریجی استادان آموزش معماری از معماران فارغ التحصیل فرانسه به استادان فارغ‌التحصیل سال سایر کشورها بود. (همان، ۱۴۴)

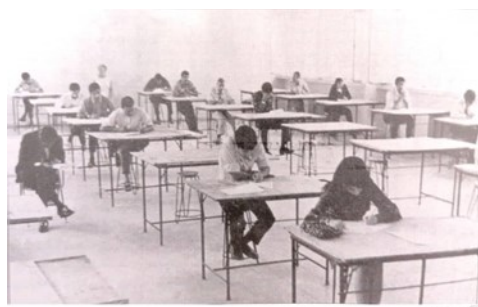
۲. نگاهی به دانشکده های معماری شاخص ایران با تاکید بر خصوصیات کالبدی و شیوه آموزش آن ها

۱-۲- شیوه آموزش معماری در دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران

روش آموزش آتلیه ای که از ابتدای تاسیس رشته معماری در ایران و به پیروی از روش آموزش دانشکده هنرهای زیبای پاریس اعمال می شد به روش آموزش سنتی معماری نزدیکتر بود؛ چرا که دانشجوی در طول تحصیل با عضویت در یک آتلیه مراتب استاد -شاگردی را البته این بار در محیط نظری و نه در کارگاه های ساختمانی- که در شیوه آموزش سنتی معمول بود طی می کرد. ممارست و پیگیری و آموختن از استاد در طول دوران تحصیل این فرصت را برای دانشجویان فراهم می کرد که با موضوع معماری به تدریج و در کنار استاد و در حین تعلیم روشهای مختلف آشنا شوند. (مختاری طالقانی، ۱۳۹۶ ۱۴۲) در آموزش مدرن معماری استعداد شاگردان توسط تمرین هایی اغلب انتزاعی در کارگاه ها و آتلیه ها پرورش می یافت. این تمرین ها با عنوان هایی چون پایه و اصول طراحی، بیان تصویری، اسکس و دکور در مدارس معماری جریان داشت و مواردی چون حجم شناسی، رنگ شناسی، ترسیم کروکی، ترسیم فنی، ماکت سازی، طراحی موضعی و گرافیک را در بر می گرفت... دانش ها را نیز به صورت نظری (تئوری) و توسط کتاب، جزوه و سایر وسایل کمک آموزشی در کلاس ها (و گاه بازدید های کارگاهی) میآموختند و این آموزشها در



حالی که برخلاف آموزش سنتی مجرد و بریده از کار عملی ارائه میشد، از حجم و وسعت بیشتری نیز برخوردار بود : تاریخ معماری ، شناخت معماری و هنر معاصر جهان، نظریه های معماری ، دروس فنی، شهرسازی و مانند اینها ... آموزش مدرن معماری که داعیه جهانی بودن داشت به ناگهان بینش های اعتقادی و هنجارهای قومی، بومی و سرزمینی را کنار گذاشت . و اصول و مبانی تفکر مدرن را جایگزین آنها کرد ... تبعیت فرم از کارکرد، نفی تزئینات و تاکید بر سادگی و ... و همچنین نگاه مادی، منطقی و سوسیالیستی مدرن به جهان، بینش ای بود که در دوران آموزش مدرن به شاگرد معماری داده می شد. (حجت ۱۳۹۱، ۲۳، ۲۴)



تصویر ۳: دانشکده هنر های زیبایی دانشگاه تهران (منبع: سایت آزاد اینترنتی) تصویر ۴: دانشکده معماری و شهر سازی دانشگاه شهید بهشتی (مجله معماری و فرهنگ ۳۴، ص ۲۴)

۲-۲- شیوه آموزش معماری در دانشگاه ملی (شهید بهشتی کنونی)

به نقل از مصطفی نورالدین "این دانشکده از ابتدای تاسیس با عنایت به مقاله نامه بین این دانشکده و دانشکده معماری دانشگاه فلورانس ایتالیا بر اساس تحقق بخشیدن به موضوع، این رشته تحصیلی پایه گذاری شد ... طرح های معماری لزوماً بر اساس نگرش به فرم و محتوا انجام گرفته و در زمان ویژه حجم های بر گرفته این نگرش تمرین می شد تا در زمان تحویل نهایی به صورت ماکت نهایی تهیه و همراه با نقشه های مربوطه در تاریخ مقرر ارائه شود ... در این دانشکده یکی از واحدهای مورد نظر مونوگرافی بود که شامل برداشت بنا و مطالعات و تحقیق در خصوص تاریخ هنر بنا، سوابق بنا، جستجو در خصوصیات جزئیات، تزئینات مواد و مصالح بر رنگ بدنه ها و ارائه یک جزوه تقریباً کامل در مورد آن بنا بود . واحد دیگری که در نیمه دوم انجام می پذیرفت معماری داخلی و دکوراسیون بود که به صورت دو نیمسال انجام می پذیرفت ... نیمسال دوم طراحی یک موضوع آینده نگر (اتوپیا) بود ... در مورد واحد مجسمه سازی نیز یک دانشجو یک نیم سال به ساختن یک مجسمه از الگوی انتخاب شده دانشکده پردازد ... واحد درسی دیگری که به اعتقاد اینجانب از واحدهای ضروری به شمار میرفت تکنولوژی و فناوری بود که با نحوه رفتار ساختمان در مقابله با بارگذاری ها و نوعیت ایستایی آنها ارتباط داشت . این واحد درسی مجزای از واحد مقاومت مصالح که شامل محاسبات ساختمان های مختلف اعم از اسکلت فلزی، بتن آرمه، فرم های نوین ساختمانی می شد که این واحد به صورت دو نیمسال به دانشجو ارائه میشد که دانشجویان قادر به محاسبه ساختمان نیز می شوند . این دانشکده بر اساس



سیستم آتلیه ای اداره نمیشد و دانشجو مخیر بود با هر استادی که او را می پذیرفت واحدهای طراحی خویش را بگذراند. (معماری و فرهنگ ۱۳۸۷، ۳۴، ۱۵)

به نقل از ایرج اعتصام: "کلاس ها و نحوه آموزش با مشورت گروهی اساتید منتخب اجرا میشد به عنوان مثال در آن زمان درس تاریخ هنر معماری و یکی از آتلیه ها بر عهده من گذاشته شد و به همین شکل بقیه دروس نظری و عملی هم تقسیم شد. در همان سال اول در برنامه ریزی آموزشی سفرهای دانشجویی به منظور آشنایی با معماری ایران گنجانده شد. و علاوه بر اینکه از نظر معماری بسیار آموزنده و جالب بود رابطه نزدیکی بین استاد و دانشجو نیز برقرار میشد. در دانشکده اساتید بر اساس روش ها و تجربه هایی که خودشان گذرانده بودند برنامه کلاس ها را اداره میکردند. در برنامه دانشکده معماری دانشگاه شهید بهشتی هم این برنامه به صورت چند پروژه کوچک تحقیقاتی به دانشجویان داده می شد که در طول ترم تحصیلی در کلاس ها ارائه می دادند و در آخر کار تحقیقاتی دانشجویان به عنوان بخش عمدهای از نمره امتحان درس آن ترم به حساب می آمد. (معماری و فرهنگ ۱۳۸۷، ۳۴، ۷۶)

به نقل از عناویم: "مهم ترین و عمده ترین تفاوت در اجرای آموزشی معماری واقعی بود و اغلب فارغ التحصیلان دانشکده ملی را مهندسان معماری می نامیدند چرا که از لحاظ اجرایی بسیار قوی بودند. همانطور که گفته شد در سال چهارم با حضور افرادی مثل خانم مهندس نراقی، در دانشگاه ملی و دانشجویان از نظر مهندسی معماری، تاسیسات و اجرای نقشه ها در فاز ۲ بسیار آگاه تر از دانشجویان دانشگاه تهران با آن نوع آموزش بوزاری بودند. اساتید بسیار مسئولانه تمام وقت، فرصت های خود را در اختیار دانشجویان قرار می دادند. گاهی تا نیمه های شب در دانشگاه حضور داشتند و همپای دانشجویان به آنها کمک می کردند. یکی دیگر از تفاوت های مهم این دانشکده با دانشگاه تهران در نحوه ارائه پروژه ها و اداره آتلیه ها بود که به طوری که دروس به صورت ترمیک ارائه میشد و به دانشجویان هر سال به طور جداگانه آموزش داده می شد. در سال آخر آموزش یعنی قبل از گذراندن پروژه دیپلم، پروژه کتروکسیون با تمام جزئیات میبایست تحویل داده میشد که بسیار پروژه خاص و سنگینی بود. تمام جزئیات می بایست ترسیم می شد و محاسبات به دقت انجام می شد. بعد از گذراندن این پروژه دانشجویان مجاز به انتخاب پروژه دیپلم بودند و موضوعات انتخابی بر عهده خود دانشجویان بود. (معماری فرهنگ ۱۳۸۷، ۳۴، ۱۱، ۱۰)

۳-۲- شیوه آموزش معماری در دانشگاه علم و صنعت ایران

به نقل از محسن فیضی: "کادر اولیه دانشکده معماری، از فارغ التحصیلان دانشگاههای آمریکا و آلمان و ایتالیا در خارج تشکیل شده بود. سیستم کار و فعالیت، سیستم کلاسی، ترمی بود، به این معنی که دانشجویان این دانشکده ها درس ها و طراحی معماری را طی یک ترم در آتلیه های معماری زیر نظر استاد مربوطه میگذراندند و روند طراحی در ترم بعد با طرح معماری دیگر و استاد دیگر دنبال می شد. دانشکده یا بخش معماری از ابتدا در فضای روحی-روانی روند آموزش و یا بخش عمران شکل گرفت و این تأثیر شایان توجهی در جهت گیری دانشکده به جای گذاشت. از طرف دیگر شرایط دانشکده معماری علم و صنعت در دانشگاه و در کنار دانشکده های فنی مهندسی فارغ التحصیلان



این دانشکده شد. مزیت نسبی دانشکده معماری دانشگاه علم و صنعت در دو بعد فنی مهندسی و ارتباط مناسب با سازه است. (همان، ص، ۴۲، ۴۳)



تصویر ۶: فضای داخلی دانشکده معماری علم و



تصویر ۵: ساختمان دانشکده معماری علم صنعت ایران

صنعت ایران

(مجله معماری فرهنگ ۳۴، ص، ۳۵، ۴۰)

به نقل از هاشم هاشم نژاد: "زمان تاسیس رشته معماری در این دانشگاه به بعد از تحولات جهانی و تغییر برنامه های آموزشی دانشکده های مختلف دنیا و تحولات فرهنگی در سال ۱۹۶۸ برمیگردد. در آن زمان بسیاری از دانشگاه های معماری روش های قدیمی را تغییر داد. و به روشهای جدیدی روی آورده بودند که بر اساس نتایج و بازدهی آنها در امر برنامه ریزی معماری این دانشگاه مورد توجه قرار گرفت. از ابتدا برنامه آموزش دوره لیسانس معماری این دانشگاه بر پایه دو نیمسال تحصیلی تدوین شد و دروس با توجه به اولویت ها و پیش نیازها به صورت واحدی ارائه میشد. الگوهای آموزشی معماری شامل سه قسمت بود، اول دروس نظری و مباحث تئوری، دوم، دروس عملی و کارگاهی و آتلیه ای، سوم، اصول و مبانی هنرهای تجسمی است. مقصود از روش و نظام آتلیه ای که در گروه معماری انجام می شد در واقع نظامی بود مبتنی بر حضور دائمی در آتلیه برای انجام کار و استفاده از دانش و تجربیات یکدیگر و آشنایی با نحوه و روش کار گروهی که زیر نظر استاد انجام می شد. از برنامههایی که در آموزش معماری بسیار موثر بود، مسافرت های داخلی و خارجی دسته جمعی از طریق بازدید از آثار معماری ایران و خارج و در بطن کار و محیط بود. واقع شدن و حس کردن محیط و فضای معماری، طراحی کردن از آنها بود که درک فضا بسیار موثر بود و در ارتقا و کیفیت کارهای معماری نقش سازنده داشت. آموزش معماری بسیار موثر بود، مسافرت های داخلی و خارجی دسته جمعی از طریق بازدید از آثار معماری ایران و خارج و در بطن کار و محیط بود. واقع شدن و حس کردن محیط و فضای معماری، طراحی کردن از آنها بود که درک فضا بسیار موثر بود و در ارتقا و کیفیت کارهای معماری نقش سازنده داشت. (همان، ص، ۳۴، ۳۵، ۳۶) به نقل از محسن وزیری: "از آنجایی که دانشکده راه و ساختمان قبل از دانشکده معماری در این دانشگاه آغاز به کار کرده بود دانشجویان در زمینه استراکچر با وجود آزمایشگاه های متعدد و مشترک با رشته ساختمان در فضایی کاملاً فنی و مهندسی به طراحی معماری میپرداختند و این در منطقی کردن نتیجه طراحی دانشجویان هم نقش بسزایی ایفا میکرد. برنامه ریزی آموزشی این دانشگاه چندان تحت تاثیر سیستم آموزشی دانشکده هنرهای زیبا و یا دانشگاه شهید بهشتی نبود و با سبک و سیاق خودش رشد کرد و مطرح شد. اساتید اغلب از



ایران، آلمان، اتریش فارغ التحصیل شده بودند، اساتید خارجی نداشتیم. اکثر اساتید مشغول در دانشگاه با سیستم آتلیه ای آموزش دیده بودند و بالطبع دوست داشتند همان سیستم راهمان سیستم را در کلاس پیاده کنند. در آن زمان اگر پروژه ای مشکلی داشت قطعاً رد می شد و دانشجو موظف بود مجدداً بر روی آن پروژه کار کند و ترم بعد مشکل را حل کند، لذا با کار خوب آشنا می شدند و در واقع برای نمره درس نمی خواندند بلکه آن پروژه را با جزئیاتش به شکل کامل می آموختند. در این دانشگاه دانشجویان در متنوع مقطع لیسانس معماری فارغ التحصیل میشدند و در ابتدای کار الزاماً می بایست دو سال آموزش به شکل عمومی را که از قبل در این دانشگاه رایج بود میگذراندند. این نوع آموزش شاید بی شباهت به نحوه آموزش مدرسه معماری باهاوس نبود. (همان، ص، ۳۷، ۳۸، ۳۹)

جدول ۱: مقایسه برخی از ویژگی های سه دانشکده برتر ایران در دوره معاصر منبع: کاظم زاده رائف و میردیکوندی، ص ۱۲۰۱، ۱۳۹۹)

دانشکده معماری و دانشگاه علم و صنعت ایران	دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی	دانشکده هنر های زیبا دانشگاه تهران	
آتلیه ای - کارگاهی با تاکید بر اصول واقعی و اجرای معماری	آتلیه با تکیه بر اصول نظری و مهندسی در معماری	آتلیه با محور طراحی پرزانتی شده	ویژگی مکانی آموزشی
نظارت سختگیرانه استاد بر دانشجو و نوعی ارتباط رسمی	حضور تمام وقت اساتید در دانشکده و ارتباط صمیمی استاد با دانشجو	ارتباط رسمی و توأم با سلسه مراتب	ارتباط استاد و دانشجو
سیستم آتلیه ترمی واحدی با تاکید بر طرحی معماری اجرایی و همراه با جزئیات اجرایی	سیستم ترمی واحدی با تاکید بر فن معماری و توجه به سایر وجوه مرتبط با معماری	اول آتلیه استادی و بعد از آن سیستم آتلیه ترمی و واحدی با تاکید بر فرم، پرزانتی و جنبه هنری معماری	شیوه کلی آموزش طرح و دروس عملی

به نقل از پرویز نوروزیان " :دروس مهندسی معماری به دو دسته مواد درسی تقسیم می شد : دسته اول، مرکب از ۶۴ واحد درس عمومی متشکل از ریاضیات، شیمی، علوم تربیتی، زبان خارجه، علوم انسانی و ۹ واحد کارگاهی (تاسیسات و ساختمان و غیره) بود. دسته دوم، عبارت از ۸۹ واحد تخصصی بود که به وسیله سه گروه معماری، شهرسازی و هنر تدریس می شد : کنترکسیون درسی سه واحدی با هدف محاسبه مقادیر و واحدهای یک مجموعه معماری بود . کارگاه تخصصی یک، که هدف آن آموزش هارمونی رنگ ها، رانند و ترکیب بود. درس مکان یابی دو واحدی ، که هدف آن خلق فضاهای نوین معماری بود. همه فضاهای دانشکده جز دفاتر اساتید آتلیه بود. دانشجویان در تمام مدت



می توانستند از این آتلیه ها استفاده کنند. در روزهای نزدیک به تحویل پروژه تعدادی از دانشجویان حتی شب ها نیز در آتلیه به سر می بردند. به این دلیل که دانشجویان معماری به دانشکده و فضاهای آن تعلق خاطر داشتند و در آن به نوعی احساس مالکت می کردند. (همان، ص، ۴۱، ۴۰)

۳. بررسی تحلیلی حس تعلق به مکان در فضا های اصلی دانشکده های مطرح ایران

در کل عوامل ایجاد حس مکان در دو گروه عوامل کالبدی و عوامل ادراکی شناختی قابل تقسیم می باشد. بیشتر روانشناسان در تعریف حس مکان به فرایند ایجاد دل بستگی اشاره دارند. برخلاف نظریه های جبریت کالبدی در اواسط قرن بیستم، برخی از عوامل اجتماعی و روانی نسبت به ویژگی های کالبدی عوامل موثرتری هستند، این تحقیق در جستجوی تعادلی بین عوامل اجتماعی و روانی و عوامل کالبدی می باشد. بر اساس درجه بندی جنیفر کراس و هیومن (۱۹۸۱) و شامای (۱۹۹۱) در واقع تعلق و دل بستگی به مکان، سطوح بالاتری از حس مکان است که به پیوند میان فرد با مکان منجر می شود و انسان خود را جزئی از مکان می داند. ریشه پژوهش در زمینه دل بستگی به نظریه فروید درباره عشق باز می گردد اما غالباً از جان بالبی به عنوان پدر نظریه دل بستگی نام برده شده است (فلاح، ۱۳۸۵ و محمد مسعود ۱۳۹۱) عوامل کالبدی و عملکردی در فضاهای آموزش معماری به خصوص دانشکده ها از اهمیت خاصی برخوردار است یافت های کورت نشان می دهد که نوع و ساختار طراحی داخلی فضای آموزش معماری و همچنین کل مجموعه به عنوان مهم ترین مکان تفکر دانشجویان معماری از اهمیت بالایی برخوردار است که نه تنها بر روی دید معمارانه دانشجویان مؤثر خواهد بود، بلکه یک فیت مطلوب ذهنی آن باعث تداوم تاریخی آن می شود قرار گیرند. از دیگر عوامل تأثیر گذار بر روی خلاقیت معماری دانشجویان، توجه به عوامل عملکردی و استفاده از فضاهای باز در سیستم های کارگاهی آموزشی است. فضای بسته، محدود و متناهی است و ذهن را خسته می کند. (قاسمی، رشیدی، ص، ۵، ۱۳۹۸)

تعریف حس تعلق به مکان: تعلق به مکان سطحی بالاتر از حس مکان است که به منظور بهره مندی و تدام حضور انسان در مکان نقش تعیین کننده ای می یابد. تعلق به مکان که بر پایه حس مکان به وجود می آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به گیوند فرد با مکان منجر می شود که انسان خود را جزئی از مکان می داند و بر اساس تجربه ها خود از نشانه ها و معانی و عملکردها و شخصیت نقشی برای مکان در ذهن خود متصور می سازد و مکان برای او مهم و قابل احترام می شود. (فلاح، ۱۳۸۴) حس تعلق به مکان را می توان به طور کلی به دو دسته تعلق اجتماعی و تعلق کالبدی تقسیم بندی کرد:

۱. تعلق اجتماعی: این گونه تعلق که عمدتاً بر پایه تعاملات و کشش های اجتماعی در محیط صورت می گیرد بر اساس نظریه محیط اجتماعی شکل گرفته و محیط از این منظر گونه ای از تعلق ترکیبی از عناصر اجتماعی را دارا می باشد که فرد در آن به جستجوی تعلق خاطر خود می پردازد. گیفور باهدف شناسایی تفاوت های مد نظر معماران و مردم استفاده کننده از محیط یکی از مهمترین عوامل موجود در محیط را عدم توجه به بعد اجتماعی



محیط از سوی طراحان و توجه صرف به عناصر کالبدی و شاخص های فرمی ، فارغ از عوامل معنایی اشاره کرد و با شفاف نمودن این اختلاف بر ضرورت تجدید نظر و شناسایی تفاوت معنایی بین طراحان و استفاده کنندگان در محیط های شهری تاکید می کند . (نصیری، ص ۷، ۱۳۹۴)

۲. تعلق کالبدی : این نوع از تعلق بر گرفته از عناصر و اجزای کالبدی به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی می باشد . برخی روانشناسان به نقش مهم و اساسی تعلق کالبدی اشاره و از آن به عنوان ریشه داری یاد می نمایند که بر این اساس فرد محیط را به همراهی عناصر کالبدی آن در شکل دهی معنای تعلق به خاطر می سپارد . علاوه بر آن گروه دیگری از روانشناسان از جمله تیلور در بررسی خود از فضاهای عمومی در واحد های همسایگی ب اشاره به عناصر کالبدی از آن به عنوان تعامل کالبدی یاد می نمایند که معادل تعلق کالبدی به مکان می باشد . (همان ، ص ۷، ۱۳۹۴)

در محیط معانی متفاوتی وجود دارد و این معانی به طور نظام یافته ای به فرهنگ پیوند خورده اند . مردم در مجموعه های کالبدی متفاوت، رفتاری متناسب با آن را که توسط فرهنگ تعریف شده بروز می دهند . آنان بر اساس ادراک خود از محیط عمل می کنند . باید این زبان را فهمید و آن را مبنایی برای ایجاد اشکال در محیط شهری قرار داد . روان شناسان محیطی نزدیک به چهل سال به مطالعه روابط انسانی با محیط و معانی مختلف ارتباطی آن پرداخته اند . (تولایی ۴۱، ۱۳۸۰)

جدول ۲ : ویژگی های حس تعلق به مکان از دیدگاه های روان شناسان محیطی ماخذ : نصیری ص ۸، ۱۳۹۴

ردیف	محققین	شاخصه های مرتبط با حس تعلق
۱	آلتمن	عقاید فرهنگی مرتبط کننده با محیط - مقیاس محیط - اختصاصی بودن - قابل دسترس بودن
۲	بتلی	خوانایی محیط - تمایز کالبدی
۳	پروشانسکی	دلبستگی به مکان - هویت مکان - تعامل محیطی - ارتباط تنگاتنگ فرد با محیط
۴	رابرت رایان	تعامل محیطی فعال - تعامل محیطی نیمه فعال - تعامل محیطی غیر فعال
۵	راپاپورت	نگرش فردو کشف ارتباطات محیط - نمادها و سنبل های فرهنگی - تجارب اجتماعی - نشانه های کالبدی
۶	رلف	تجربه و نحوه ادراک انسان - روح مکان - حس مکان - معنای مکان



احساس تعلق به مکان را می توان منبعث از دو عامل انسانی و محیطی که در نمودار شماره ۱ نشان داده شده است دانست (رامیار، ۱۳۹۰، ۳۱-۳۲).

الف. عوامل محیطی

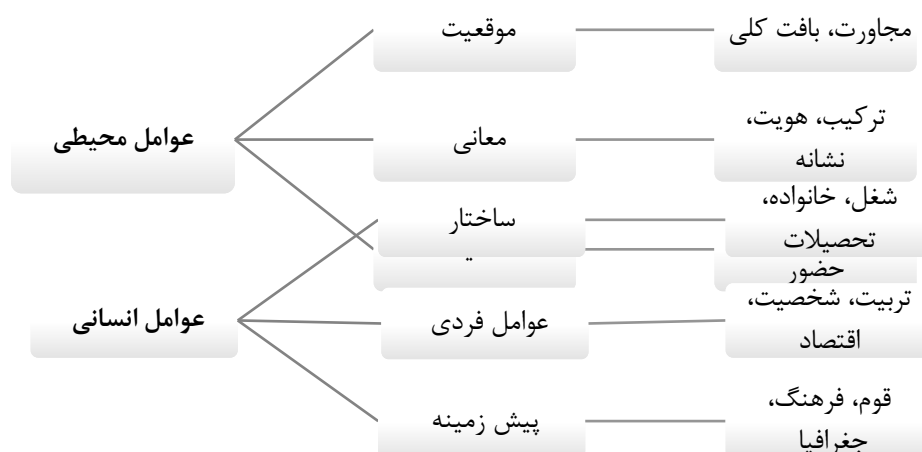
- معانی که محیط در بردارد و این معنا حاصل ترکیب محیط، زیبایی آن، هویت آن، نشانه هایی که در بر دارد و غیره است
- فعالیت ها و قابلیت های محیط برای ارائه فرصتی برای انجام دادن فعالیت. این فعالیت ها ممکن است به صورت استفاده از امکانات باشد یا ارتباطات میان افراد و محیط یا با حضور فردی در محیط و غیره صورت گیرد
- موقعیت مکانی نیز از عوامل تأثیرگذار بر محیط است که می توان آن را در همجواری های مکان، فاصله آن تا مبداهای فضایی دیگر، بافت کلی محیط و غیره دید.

ب. عوامل انسانی

- خود فرد که شامل شخصیت فردی او، تربیت و شرایط مالی اش و غیره می شود
- پیش زمینه قومی، ملی، فرهنگی، جغرافیایی و غیره فرد
- نقش اجتماعی فرد، چه در خانواده و چه شغل و غیره

مأخذ: رامیار، ۱۳۹۰

نمودار ۱: احساس مکان منبعث از دو عامل محیطی و انسانی



حس تعلق به مکان را می توان در دو بخش دیدگاه نظری و دیدگاه علمی - کاربردی طبقه بندی کرد و مورد بررسی قرار داد. مرور تئوری ها و رویکردهای مختلف از دیدگاه روانشناسان محیطی، شباهت ها و تفاوت های برداشت از



حس تعلق به مکان و معیارها اساسی آن که نظریه پردازان ارائه داده اند می تواند عوامل موثر بر ایجاد حس تعلق به مکان را در قالب دسته بندی زیر ارائه دهد که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرند.

جدول ۳: عوامل شکل دهنده حس تعلق به مکان ماخذ: نصیری ۱۳۹۴

معرف ها	شاخص ها	ردیف
معانی - نماد ها - تجارب گذشته - کیفیت های محیطی - تعلق احساسی و عاطفی به محیط - تعلق عملکردی و فعالیتی به محیط	عوامل ادراکی - شناختی	۱
فرهنگ - نشانه های اجتماعی - قابلیت های محیطی - کنش ها و تعاملات اجتماعی	عوامل - اجتماعی	۲
حریم ها - محصوریت ها - حدود مالکیت - همسایگی - فرم و شکل بافت و رنگ - تضاد - تناسب - مقیاس انسانی - تنوع بصری - روابط فضایی سلسله مراتب	عوامل محیطی - کالبدی	۳

نتایج حاصل از مبانی نظری بیانگر این مطلب است که حس تعلق به مکان به عوامل متعددی که در جدول ۳ به آن پرداخته شد بستگی دارد. از آنجایی که ساماندهی شاخص های موثر بر حس تعلق به مکان در قالب چارچوب های تعریف شده تحت عنوان عوامل ادراکی - شناختی - فردی، عوامل اجتماعی و عوامل محیطی - کالبدی بسیار کلی و نیاز به ارجاع به دانش های تخصصی را می طلبد، لیستی متشکل بر مولفه های تبیین کننده این عوامل در جدول ۳ بر پایه مبانی نظری مطرح شده ارائه می گردد. این مولفه ها به عنوان زیر معیارهایی که شاخص های اصلی را پوشش می دهند معرفی می گردند. تمامی شاخص ها و مولفه ها می توانند در طراحی یک مکان با میزان بالای حس تعلق به مکان در کاربران موثر باشند. بدیهی است شناخت و آگاهی به عوامل مذکور راهنمای طراحان در جهت نیل به این مقصود می باشد. (نصیری، ۱۳۹۴، ص ۱۳-۱۴)

جدول ۴: عوامل موثر بر حس تعلق به مکان ماخذ: نصیری ۱۳۹۴

گویه های عملیاتی	متغیر ها	شاخص های موثر بر حس تعلق به مکان	ردیف
شرایط زیست محیطی عوامل فیزیولوژی	اقلیم	عوامل جغرافیایی	۱
منابع مالی منابع انسانی متخصص	اقتصاد		
ارزش های حاکم بر اجتماع	فرهنگ		



اصول و ارزش های فرهنگی			
سیاستگذاری فرهنگی	سیاست		
فعالیت های رسانه ای مرتبط			
تجارب گذشته	شخصیت	عوامل روانی - فردی	۲
تعلق عاطفی به فضا	انگیزش		
رضایتمندی	شرایط روحی		
تصورات فردی	باورها		
نیاز به تعامل	توقعات		
تنوع پذیری فضا	کالبد فضایی عمومی	عوامل روانی - اجتماعی	۳
تعلق مکانی به فضا	الگوی پایدار رفتار		
مدت توقف در فضا	دوره زمانی ماندگار		
میزان حضور در فضا			
میزان مراجعه به فضا			
تمایل به تعامل در فضا	تعاملات اجتماعی		
فضا به عنوان عامل ارتباطی			
موقعیت فضا نسبت به ورودی	موقعیت در سازمان	عوامل فضایی - کالبدی	۴
مرکزیت هندسی و کارکردی	فضایی		
عناصر انگیزاننده	عناصر غیر ثابت		
مبلمان متوقف کننده			
نور و صدا			
جرم بصری			

جمع بندی و نتیجه گیری :

به منظور حفظ و جذب دانشجویان در دانشگاه نیاز به فضاهای آموزشی متناسب با رشته تحصیلی دانشجویان می باشد و به دلیل اینکه دانشجویان معماری بخش مهمی از جوانان طراح برگزیده کشور را تشکیل می دهند که جزو آینده سازان حوزه خلاقیت کالبدی کشور محسوب می شوند لذا باید مکانی متناسب جهت رشد و پرورش این دانشجویان در نظر گرفته شود. عوامل محیطی و کالبدی نقش موثری در افزایش میزان یادگیری دانشجویان رشته ی معماری در محیط آموزش دارند . بعد اصلی معماری که خلاقیت و نوآوری هست در اثر محیط مطلوب بر انگیزته میشود. با مروری بر



سامانه آموزش در دیگر کشورها آنچه واضح و مبرهن می نماید شیوه هایی از آموزش معماری برگرفته از نیازهای جامعه در تعامل با دانش و تکنولوژی روز است. در واقع دانشجویان این دانشگاه ها پرسشگرانی هستند از متن محیط که در رسیدن به جواب از کلیه امکانات محیطی و دانشگاهی بهره می برند و دانشگاه بستر پویا و منطقی را برای رسیدن به جواب سوالات دانشجویان محیا می کند. آنچه مشخص است، شیوه ی آموزش در دانشگاه ها متفاوت است اما بستر آموزش و راهکارهای رسیدن به غایت و هدف آموزش در واقع مبتنی بر ایجاد محیطی پویا و منعطف می باشد تا هر لحظه دانشجو را با پرسشی جدید مواجه نماید. مراحل شکل گیری و استقرار کامل اولین مرکز دانشگاهی آموزشی معماری در ایران از دارالفنون (۱۳۰۶) تا دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران (۲۲(۱۳۲۸) سال طول کشید. این مرکز پس از شکل گیری در جریان معماری روز ایران نقشی پر اهمیت ایفا کرد.

نمودار : بررسی خصوصیات مهم سه دانشکده معماری شاخص ایران



کنند، حس تعلق و تقرب به وجود آورد. حس تعلق عامل مهمی در شکل گیری پایه های ارتباطی استفاده کنندگان و محیط می باشد و نهایتاً منجر به ایجاد محیط های باکیفیت نیز خواهد گردید. در فضاهاى دانشکده های معماری مطرح ایران وجود عواملی انسانی شامل کیفیت رفتار و روابط اساتید و کارکنان با دانشجویان، مشارکت دانشجو در فعالیت های گروه، انجمن های علمی و فرهنگی، از ویژگی های مؤثر بر حس تعلق به مکان می باشند. لذا تشویق و ترغیب دانشجویان توسط اساتید و کارکنان می تواند عامل مؤثری جهت مشارکت و افزایش حس تعلق به دانشگاه نماید. همچنین ضمن تشویق دانشجویان، در نظر گرفتن فضاهایی برای جلسات انجمن های علمی و فرهنگی، می تواند در افزایش مشارکت دانشجویان و بالتبع افزایش حس تعلق به مکان مؤثر باشد.



منابع :

۱. سلطان زاده، حسین، ۱۳۸۷، مجله معماری و فرهنگ شماره ۳۴، تهران، دفتر پژوهش های فرهنگی گروه فرهنگ و معماری
۲. حجت، عیسی، ۱۳۹۱، سنت و بدعت در آموزش معماری، تهران، موسسه انتشارات دانشگاه تهران
۳. برجعلی زاده، فاطمه، کرمی، اسلام، ۱۳۹۴، طراحی معماری خانه ی معمار با رویکرد حس تعلق به مکان، کنفرانس بین المللی معماری، شهرسازی، عمران، هنر و محیط زیست؛ افق های آینده، نگاه به گذشته
۴. قانع شیخ کلایی فتانه، بابازاده اسکویی، سولماز، ۱۳۹۶، ارتقا حس مکان در طراحی دانشکده معمار، اولین همایش ملی پژوهش های نظری و عملی در معماری و شهرسازی
۵. بی نظیر، شیوا، کسرای، داریوش، ۱۳۹۷، بررسی مؤلفه های معماری بومی مؤثر بر ارتقاء حس مکان، پنجمین کنفرانس ملی معماری و شهرسازی ایران در گذار آثار و اندیشه ها
۶. مهدی نژاد، جمال الدین، کابلی، احمد رضا، کریم زاده، جمشید، ۱۳۹۶، تأثیر حس مکان در معماری بومی ایران، سومین همایش بین المللی معماری عمران و شهرسازی در آغاز هزاره سوم
۷. فروتن جم، شکبیا، دهباشی شریف، مزین، ۱۳۹۶، طراحی دانشکده معماری با رویکرد حس مکان در شهر تهران، پنجمین کنفرانس ملی پژوهش های کاربردی در مهندسی عمران، معماری و مدیریت شهری
۸. قنبریان، عبدالحمید، صالحی، بهروز، فردوسیان، سیما، فتح الهی، سجاد، ۱۳۹۷، شناسایی عوامل مؤثر بر حس تعلق به مکان در فضاهای دانشگاهی شهر تهران، آموزش عالی ایران
۹. شجاعی، عاطفه، سعدوندی، مهدی، ۱۳۹۵، بازخوانی حس تعلق به مکان در خانه های اهواز، دومین کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری
۱۰. نصیری، ماه منیر، ۱۳۹۴، عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق به مکان، کنفرانس سالانه پژوهش های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری
۱۱. سیدیا، سید علی، بیغمی، مژگان، ۱۳۹۴، ارزیابی مؤلفه های مؤثر در ایجاد حس تعلق به مکان نمونه موردی شهر اصفهان، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در عمران، معماری و شهرسازی
۱۲. فلاحت، محمد صادق، ۱۳۸۵، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، هنرهای زیبا
۱۳. امیری، منا، عزیزی راد، محمد، ۱۳۹۴، شناسایی عوامل ضعف در آموزش معماری در ایران، همایش ملی فرهنگ گردشگری و هویت شهری
۱۴. هریوندی، مهدی، بهنام نیک، سجاد، ۱۳۹۴، بررسی راهکارهای بهبود ارتباط اساتید با دانشجویان به منظور ارتقای کیفیت آموزشی، همایش دانشجویی دانشکده مهندسی چالش ها و فرصت ها
۱۵. محمدی، امید، ۱۳۹۶، بررسی آموزش معماری در دانشکده های ایران، کنفرانس ملی رهیافت های نو در مهندسی عمران و معماری



۱۶. کاظم زاده رائف، محمد علی، میردریکوندی، صبا، ۱۳۹۹، امکان سنجی استفاده از تجارب آموزش معماری به شیوه سنتی در نظام آموزشی معماری ایران در دوره معاصر، اولین کنفرانس ملی فناوری های نوین در مهندسی معماری و شهرسازی ایران
۱۷. کاظم زاده رائف، محمد علی، میردریکوندی، صبا، ۱۳۹۹، سیری در روش شناسی آموزش معماری در سه دانشکده معماری اولیه و برجسته ایران، سومین کنفرانس بین المللی مهندسی عمران، معماری و شهرسازی